

تنها یک بازی مستقل نیست، بلکه یادآور وجود خداست. در فلسفه یا مذهب، یک شخص روش‌های فلسفی را برای اثبات ادعای مذهبی به کار می‌برد؛ یعنی سعی می‌کند تا پاسخ اشکال‌هایی که علیه مذهب اقامه شده است و همچنین دلایل تقویت آنها را بیابد. برای کشف حقیقت شیوه‌های فلسفه و خداشناسی می‌تواند به شخص کمک نماید و نیز مطالعه کتاب و مجلات مختلف، استماع سخنرانی و... می‌تواند در این زمینه مفید افتد. اگر ریشه حقایق مذهبی، همواره عمیق‌تر نگردند، روحیه مذهبی شخص تضعیف و در نتیجه نابود خواهد شد. در حال حاضر، اندیشه مذهبی بار دیگر در میان روشن‌فکران حیات مجدد یافته است. پوزیتیویسم، مارکسیسم، اگرستانسیالیسم و روان‌شناسی فروید مورد انتقاد قرار گرفته و دیگر مورد پذیرش اکثر فلاسفه نیستند. در همین حال، بدجلوه دادن شرایط اخلاقی در غرب باعث شده است که بسیاری از متفکران برای نیل به هدایت واقعی، به اندیشه مذهبی بازگشت کنند. بسیاری از مردم در تکاپو هستند و اکنون فرصت بسیار خوبی برای معرفی اندیشه اسلامی است.

مزارش‌ها: حسن مخلو

## دغدغه مشروعه خواهان: حفظ «دین» و استقرار «عدالت»

علی ابوالحسنی

ویژه‌نامه ایام، ش ۵۰، ۱۳۸۸/۵/۸

با گسترش ارتباطات و تبدلات فکری و فرهنگی میان ایرانیان با جوامع غربی، نخبگان ایرانی با مشاهده پیشرفت شگرف علمی و صنعتی که در غرب رخ داده بود، در صدد بررسی علل و عوامل عقب ماندگی شرق و رشد و توسعه غرب برآمدند. آنانی که مرعوب اروپا شده بودند، بدون تأمل و دقت کافی، اسلام را با مسیحیت تحریف شده یکسان انگاشتند و همچون منورالفکران غربی که یک‌سره به انکار دین (یعنی همان مسیحیت قرون وسطایی) پرداخته بودند. اینان نیز اعتقاد به دین، یعنی اسلام آزادی‌بخش و علوم و عدل‌پرور را عامل همه بدبختی‌های خویش شمردند. این جریان در عصر مشروطه در تقابل با مردم مسلمان و علمای ضدظلم و عدالت‌طلب شیعی قرار گرفت و خسارت‌های فراوانی را بر کشورمان تحمیل کرد.

بازتاب اندیشه ۱۰۹۱۱۴

۲۱۸

مزارش‌ها

مقاله حاضر به تقابل اسلام‌خواهان و جریان غرب‌باور در عصر مشروطه می‌پردازد و از این منظر، آن دوران مهم و سرنوشت‌ساز را وامی‌کاود. به‌طور کلی در جریان جنبش مشروطیت، با دو گرایش یا جریان معارض و مقابل با یکدیگر روبه‌رو هستیم که از آنها می‌توان با عنوان جریان اسلام‌گرا و غرب‌گرا یاد کرد. جریان غرب‌گرا به رهبری امثال تقی‌زاده شکل می‌گیرد. جریان اسلام‌گرا نیز به دو بخش کلی تقسیم می‌شود: الف) جریان

مشروع خواه؛ ب) جریان مشروطه خواهان متشرع یا دین باوران مشروطه خواه. در رأس جریان مشروطه خواهی در ایران شیخ فضل الله نوری<sup>ع</sup> قرار دارد و در رأس جریان مشروطه خواهان متشرع مراجع ثلاثه، آخوند خراسانی<sup>ع</sup>، حاجی میرزا تهرانی<sup>ع</sup> و شیخ مازندرانی<sup>ع</sup> حضور دارند. در آغاز طلوع مشروطه، آخوند با شیخ پیوند و ارتباط وثیقی دارد، اما بعدها میان آن دو فقیه دادخواه و ضد استبداد، به علل مختلف جدایی می افتد. سپس با جو آشفته ای که گروه تندرو و سکولار مشروطه با تبلیغات حساب شده خویش، شیخ را به دروغ، همدست استبداد و مخالف عدالت جلوه دادند و به تدریج آخوند از شیخ مشروطه خواه فاصله می گیرد. درگیری اصلی و اساسی در مشروطه، در اصل، بین شیخ نوری با تیپ تقی زاده بود. تقابلی که بین جناح مشروطه خواه و جناح مشروطه خواه متشرع در تواریخ مشروطه، مطرح بود و حتی در مورد آن، اغراق و بزرگ نمایی می شود. همه مربوط به دوران موسوم به مشروطه اول و استبداد صغیر است تا حداکثر چند ماه از ابتدای همان مشروطه دوم. در اوایل عصر مشروطیت، کسانی یافت می شوند که برای حفظ خودکامگی ها در عصر استبداد، از استبداد فردی سلطنتی حمایت می کردند. اما شیخ و آخوند از تنها چیزی که نفرت داشتند موضوع حمایت از استبداد و مظالم و مفسد ناشی از آن در کشور اسلامی بود در واقع آنان مشروطه را برای ایران و برای پیشبرد مصالح ایران می خواستند. شیخ با نفی مشروطه حداکثر گزینه های تشکیل دولت منتظم و عدالتخانه را مد نظر داشت. زمانی که در مشروطه دوم، آخوند نسبت به جناح تقی زاده آگاه شد، مواضع منفی شیخ را برگزید و متهم به هواداری از استبداد و ضدیت با آزادی و عدالت شد. اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه، قطعاً دستاورد رنج ها و مجاهدات جناح مشروطه خواه به رهبری شیخ نوری که البته با حمایت جناح مشروطه خواه متشرع همراه بود.

مزارشکن: حسن مغلو

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی